

چهارشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۹ • ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۴۴۲ • ۶ ژانویه ۲۰۲۱

خبر کوتاه

یک نیمه ضعیف و خاص بودن پرسپولیس

یک نیمه نمایش ضعیف پرسپولیس مقابل ذوب‌آهن، از دست رفتن نتیجه در دقیقه پایانی و چهارمین تساوی طی شش هفته از فصل جاری چیزی از خاص بودن تیم فعلی پرسپولیس در فوتبال ایران کم نمی‌کند.
خاص بودن پرسپولیس نه بر اساس آنچه در این باشگاه طی چند سال اخیر گذشته، بلکه به‌خاطر دستاورد مریبان و بازیکنانش در این بازه پنج‌ساله حاصل شده و آفت فنی در طول یک مسابقه فوتبال یا در یک مقطع زمانی چند هفته‌ای برای هر تیم بزرگی و در هر مسابقات دورهای اتفاق می‌افتد و گریزی از آن نیست. پرسپولیس به‌خاطر یک نیمه نمایش ضعیف مقابل ذوب‌آهن مورد نقد قرار می‌گیرد و شدت نقدها هم در مقیاس نتیجه، موقعیت زمانی فصل و بازی‌های موعقه این تیم شاید منطقی نباشد اما تیمی که چهاربار متوالی قهرمان لیگ شده و با انبوهی از مشکلات به فینال آسیا رسیده آنقدر خاص شده و حجم توقعات از خود را بالا کشانده که مجبور است با یک تساوی خانگی و یک نیمه بازی ضعیف اینچنین تحت فشار قرار بگیرد و برای نتایج بهتر، بیشتر و دقیق‌تر تلاش کند. پرسپولیس به‌عنوان مدافع عنوان قهرمانی طی فصول اخیر به‌گونه‌ای عمل کرده که امروز هواداران دوآتشه و کارشناسان فوتبال بدون در نظر گرفتن اینکه همین تیم با پیروزی در دو بازی موعوه می‌تواند مدرن‌ترین لیگ برتر باشد، از دل این نمایش یک‌نیمه‌ای ضعیف هزاران سؤال استخراج کرده و آینده تیم را به چالش کشیده‌اند فارغ از اینکه هر مسابقه و اتفاقاتش را نمی‌توان به کلیت فصل و بازی‌های پیش‌رو تعمیم داد چراکه اتفاقات هر مسابقه محدود و مخصوص به همان مسابقه است و در هر مسابقه‌ای ممکن است تعدادی از بازیکنان فرم خوبی نداشته باشند یا هانفکدر که کادر فنی تیم خودی برای بردن نقشه می‌کشد و بعضا این نقشه‌ها جواب می‌دهد، کادر فنی حریف هم برای نباختن یا پیروز شدن به‌دنبال راهکار است و بعضا به هدفش هم می‌رسد.

پرسپولیس این هفته‌ها خالی از نقص نیست. این تیم در چند پست بازیکن خلاق و گره‌گشا کم دارد و بعید نیست از همین نواحی لطمه هم بخورد، اما واقعیت اینکه چهار تساوی در شش مسابقه ابتدایی را نمی‌توان به کلیت فصل گره زد و منتظر ماندن تا نقلایی که در نیمه دوم بازی ذوب‌آهن به چشم آمد در بازی‌های آینده هم برای این تیم مشکل‌ساز شود.پرسپولیس در حالی مقابل ذوب‌آهن به دو امتیاز از دست داد که می‌توان علل افت این تیم در نیمه دوم و نمایش ضعیفش را بررسی کرد و حتی به تغییراتی که جواب نداد منتقد شد، اما این تازه اولین نمایش یک‌نیمه‌ای ضعیف سرخ‌ها بوده و حتی در تساوی‌های قبلی هم نمی‌شد انگشت اتهام را به سوی این تیم دراز کرد و فکت‌هایی برای بازی ضعیفش برشمرد. پرسپولیس یک نیمه ضعیف مقابل ذوب‌آهن شبت سر گذاشته و دوستدارانش را با هزار سؤال و نگرانی مواجه ساخته که چه بلایی سر هافبک‌های این تیم در طول نیمه دوم آمد؟ چرا تغییرات گل‌حمودی جواب نداد؟ چرا تیم در فاز دفاع و حمله انسجام و استحکام نداشت؟ و… اما شاید یک نیمه ضعیف در شش بازی چندان هم غیرمنطقی و ترسناک نباشد کما اینکه برخی مدعیان قهرمانی لیگ با خریدهای گرانقیمت‌تر از پرسپولیس و تغییرات پرسروصداتر، از این نیمه‌های ضعیف نه یکی، بلکه چندتا داشته‌اند.

نمایش یک‌نیمه‌ای ضعیف پرسپولیس باعث شده برخی کارشناسان، اهالی رسانه و پیشکسوتان باشگاه به سئوالی از قبیل پس‌لرزه‌های شکست در فینال آسیا، جدایی بشار رسن و تأثیر فنی او در تیم و البته فقدان بازیکنان شش‌دانگ در برخی پست‌ها بخصوص در نوک حمله اشاره کنند، اما واقعیت اینکه پرسپولیس با همین بضاعت و با تمام نقض‌ها همچنان توانایی ارائه نمایش‌هایی کم‌نقص‌تر و پيشروتر از سایر مدعیان قهرمانی و تکرار موفقیت‌های گذشته را دارد و حتی اگر در مقطعی از فصل اینچنین امتیاز از دست بدهد در ادامه مسیرش برای پیدا کردن جاده قهرمانی آنقدر باتجربه و حواس جمع هست که قدرت برخواستن از جایش، پوشش نقاط ضعف و تکرار نمایش‌های بی‌حرف و کسب نتایج دلخواه را داشته باشد.

این تیم یاد گرفته چطور از سختی‌ها عبور کند و از دست‌اندا‌های بزرگ پرش‌های سه‌امتیازی داشته باشد. خوشبختانه نیازی به تشر زدن به این بازیکنان و کادر فنی نیست. آنها مشکلات و نواقصشان را خیلی خوب می‌دانند و به دلایل از دست دادن هشت امتیاز در شش هفته گذشته واقف‌اند، پس بدون اینکه بخوانند عملکرد ضعیفشان در یک نیمه از ششمین بازی فصل را توضیح کنند، بی حل مشکلات و تکرار نشدن آنها در بازی هفتم خواهند رفت.

باور کنید فقط با یک نمایش کم‌ایراد دیگر و بازگشت به مسیر موفقیت همه دوباره درباره تداوم خاص بودن این تیم حتی با تمام کمبودهایش حرف خواهند زد و کم‌کم بشار، فینال آسیا و هر آنچه باعث شد بود طی دو روز گذشته به آن فکر کنیم می‌خواهد شد.

قتلگاه قطر

قرار نیست کیفیت حضور شجاع خلیل‌زاده را در الریان، صرفا با همین گل به‌خودی بیرون یا و سئنائیی او در بازی با السیلیه بسنجیم. اما حقیقت آن است که منظر می‌رسد حضور در لیگ ستارگان قطر برای پرسپولیس‌ها به‌شدت «سخت» است. استقلال‌ها اینطور نیستند؛ مثلا الان علی کریمی در القطر گل کرده، پیمان منطوری سال‌هاست بی‌دغدغه آنجا پول در می‌آورد، امید ابراهیمی هم همین شرایط را دارد و ابدا هم حرفی از بازگشت‌شان نیست، اما لیگ قطر انگار قتلگاه سرخ‌هاست. فقط یک مورد کوتاه روی کم و کیف حضور پرسپولیس‌ها در لیگ ستارگان کافی است تا دقیقا بی ببرید در مورد چه چیزی حرف می‌زنیم.

پیش از آغاز لیگ پانزدهم از پرسپولیس جدا شد و به المسمیر پیوست. این تیم آنقدر ضعیف بود که نوری بلافاصله آنجا کاپیتان شد! مسمیر تقریبا همه بازی‌ها را باخت و سقوط کرد. از آن سو قطار پرسپولیس تازه با برانکو راه افتاده بود. بعدتر نوری هر چقدر ابراز علاقه کرد به این تیم برگردد، خواسته‌اش اجابت نشد. بهترین بازیکن بدترین نسل پرسپولیس، در قطر قربانی شد و فرصت اوج گرفتن با تیم محبوبش را از دست داد.

یکی از بازیکنانی بود که در اوج نیاز پرسپولیس این تیم را رها کرد و به الخور پیوست؛ یک تیم ضعیف دیگر در قطر که کیسه بوکس باشگاه‌های بزرگ‌تر بود. سروش گفت تنها هدفش پول در آوردن بوده است. پول در آورد، اما خیلی چیزها را از دست داد. او آنجا به‌شدت تحت انتقاد کادرفنی الخور و یکی، دو نشریه ورزشی قطر بود. بعد از بازگشت از لیگ ستارگان هم دیگر هیچ‌وقت کیفیت فنی رفیعی مثل قبل نشد.

ابتدای لیگ چهاردهم از تمدید قرارداد با پرسپولیس علی دایی سر باز زد و راهی الاهلی شد، اما خیلی زود احساس پشیمانی کرد. حتی بین ۲ نیم‌فصل هم پیغام داد که حاضر است به پرسپولیس برگردد. ابتدای لیگ پانزدهم با نژادفلاح توافق کرد و عکس انداخت، اما برانکو به دلایلی که هرگز روشن نشد این خرید را وتو کرد. در نتیجه شاداب‌ترین تیم دوران برانکو به‌خاطر ضعف دفاعی و تفاضل گل بد محقق لیگ پانزدهم را از دست داد، جلال هم یک سال در نفت تهران انتظار کشید تا وصل دوباره به‌حقوقی شود.

در پرسپولیس به اوج شهرت و محبوبیت رسید و در جام‌جهانی فیکس تیم ملی شد، اما ناگهان سر از الشحانیه در آورد، وضع او اما از همه آدم‌های این فهرست بدتر شد؛ چرا که برای بودایی مسئله قرار از خدمت و سرپیچی از قبول مجازات پیش آمد. این بازیکن بعد از ۶ سال هنوز به ایران برگشته و آینده حرفه‌ای و شخصی‌اش روشن نیست.

در ماجرای پیوستن به ریزه‌سپور، رابطه او و برانکو به‌شدت خراب شد و حتی بازگشت سفارشی این بازیکن به پرسپولیس هم افاقه نکرد. برانکو در نخستین فرصت عذر رامین را خواست. او یک دوره ناموفق را در استنده بلژیک پشت سر گذاشت و پس از آن به الشحانیه و الدوحیل قطر پیوست. نیمکت‌نشینی و بعد قرض داده شدن رضایبان به السیلیه به وضوح از افت فنی او حکایت دارد. در همین شرایط گل بد استمال ملی هم کنار گذاشته شده و شاهد دعوت از مهدی شیری است!

امسال به شکل شبانه و مخفیانه، جوری که اصلا پسنندیده نبود قراردادش را با پرسپولیس فسخ کرد و راهی العربی شد. ستاره بی‌چون و چرای لیگ نوزدهم فوتبال ایران، هنوز برای العربی یک گل هم نزده و روزی نیست که یکی از کارشناسان فوتبال این کشور علیه او موضع نگیرد. ترابی گاهی در این تیم طعم نیمکت‌نشینی را هم چشیده است.

دستان او بوسه‌اش بر نشان الریان و حالا هم کیفیت بحث‌برانگیز نمایش‌هایش حسن ختام این گزارش است. همه می‌دانند که شجاع خلیل‌زاده تابستان بعد یا کمی بعدتر دوباره به پرسپولیس باز خواهد گشت. باز قضا تکراری ابراز ندامت، باز هواداری که می‌بخشد و باز دستان بوسیدن لوگوی فرمزها! لیگ قطر برای همه پرسپولیس‌های یابغی فقط پول داشته؛ همین و بس.

یحیی گل‌محمدی عنوان کرد:

دلایل گل زردن پرسپولیس به سپاهان؛ مشخص شدن هدف بازی با استقلال

سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس با بیان این که مهاجمان تمیض تحت فشار قرار دارند، گفت: توان هر دو تیم پرسپولیس و سپاهان یکسان بود به همین خاطر موقعیت‌های گلزنی کمی رقم خورد. تیم‌های فوتبال پرسپولیس و سپاهان اصفهان از ساعت ۱۶:۳۰ دیروز دیدار معوقه هفته هفتم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران را در ورزشگاه خالی از تماشاگر آزادی برگزار کردند که این دیدار با تساوی بدون گل به پایان رسید.

یحیی گل محمدی پس از این دیدار گفت: مقابل یک تیم خوب بازی دشوار خوبی گرفتیم سه امتیاز هدف اصلی ما بود. در هر دو نیمه موقعیت‌های خوبی داشتیم. توانستیم کنترل خوبی داشته باشیم. می‌توانستیم بهتر بازی کنیم و از موقعیت‌های گل‌مان بهتر استفاده کنیم اما اینگونه نشد. سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس افزود: فکر می‌کنم هر دو تیم کمی به گل نخوردن فکر می‌کردند و سطح فنی دو تیم هم یکسان بود. به همین خاطر موقعیت‌های گلزنی کمی داشتیم. ضمن اینکه متاسفانه خیلی راحت داور از یک صحنه به سود گذشت و داور پنهانی مسلم ما را نگرفت. در او ادامه راجع به اعتراضات خود به داورو ادامه داد: آنچه که ما فکر می‌کردیم و از بیرون می‌دیدیم این بود که باید به نفع ما خطا گرفته می‌شد اما مشکل خاصی نبود که درباره آن صحبت کنیم. گل محمدی ضعف خط حمله پرسپولیس در بازی‌های فصل جاری لیگ برتر گفت: فشار زیادی روی این بازیکنان است. تا جایی‌که توانستیم در هفت بازی، موقعیت برای مهاجمانمان به وجود آورديم. فکر می‌کنم این فشار باعث شده تا آنها نتوانند از موقعیت‌های گل استفاده کنند. مهاجمان تیم احتیاج بیشتری به تمرینات اختصاصی دارند. فکر می‌کنم تنها کاری که می‌توانیم انجام دهیم کار کردن روی عملکرد آنهاست.

او در پایان راجع به دیدار حساس هفته آینده پرسپولیس با استقلال تهران تاکید کرد: دربی همیشه جذابیت‌های خاص خودش را دارد. گرفتن سه امتیاز در این بازی با توجه به وضعیت جدول هدف اصلی تیم خواهد بود. ان‌شاءالله که عملکرد خوبی داشته باشیم و هواداران را خوشحال کنیم.

اُمَتیَا

روزنامه‌صبح‌ایران

هنر نابود کردن تیم رویایی ۱۹۹۸



فدراسیون فوتبال ایران به زودی رئیس جدید خودش را می‌شناسد. مردی که نیامده می‌تواند بگوید «ویرانه‌ای تحویل گرفتیم». این جمله همیشه و همه‌جا کاربرد دارد. با کمی افشاگری و چند مصاحبه آتشین در مورد عملکرد تیم قبلی می‌شود بخشی از فشارها را برداشت. همین جمله علی دایی هم کلیت می‌کند که گفت «برای فوتبالی که ساختمان فدراسیونش را به مزایده گذاشته‌اند باید گریست.»

ماجرا بیشتر به فیلم‌های کم‌دی شبیه است. چیزی شبیه «آجاره‌نشین‌ها»ی «داریوش مهرجویی». مگر می‌شود ساختمان یک فدراسیون را حراج کرد؟ لابد فردا ویدئوهایی منتشر می‌شود که بنگاه‌های محل دست خریدار را گرفته‌اند و دارند بنا را نشانش می‌دهند و طرف هم سر تکان می‌دهد که: نَچ! عمرش رو کرده این ساختمان، کلنگیه! باید کوبید از نو ساخت!

در سرزمین افسانه و قصه، هیچ چیز غیرممکن نیست. رئیس فدراسیون جدید بیست و هفتمین نفری است که روی این کرسی می‌نشیند. وقتی ایران برای نخستین بار قصد حضور در مسابقات المپیگ ۱۹۶۸ لندن را داشت، پیش شرط حضور در این تورنمنت مهم داشتن فدراسیون‌های ورزشی مستقل بود.

بنابراین فدراسیون‌ها و از جمله فدراسیون فوتبال در سال ۱۳۲۵ تشکیل شد که علی کنی نخستین رئیس آن بود. یک سال بعد و در ژانویه ۱۹۴۸(بهمن ۱۳۲۶) فدراسیون فوتبال ایران به عضویت فیفا در آمد و در این ۷۰ سال ۲۶ نفر در ۳۷ دوره مدیریتی مختلف بر این فدراسیون ریاست کرده‌اند. در ۵۲ سال قبل از انقلاب ۱۰ نفر و ۴۲ سال پس از انقلاب ۱۶ نفر. که البته برخی از آنها دو بار بر این کرسی نشسته‌اند.

نسل جوان چیز زیادی در مورد محسن حداد، حسین سیاسی، حسین مبشر، مصطفی مکری و حسین سرودی نمی‌دانند.
فرد در مورد کامبیز آتابای که بنیانگذار لیگ تخت جمشید بود اما پس از انقلاب از ناصر نوماوز، امیر عابدینی، داریوش مصطفوی، محمد دادکان، کیومرث هاشمی، علی گفکاشیان و مهدی تاج بسی خاطره دارد. مدیرانی که هر کدام با کارنامه‌های معتقدند درخشان عمل کرده‌اند و «گذاشتند» بیشتر از این موفق شوند.

داریوش مصطفوی شاید فوتبالی‌ترین رئیس فدراسیون فوتبالی باشد که می‌شناسیم. هم برای تاج توپ زد، هم پرسپولیس و تیم در مورد عملکرد گفکاشیان و تاج بسیار

اصفهانیان:

کریمی حق دارد بیاید ولی ما هم فوتبالی هستیم و از پشت کوه نیامده‌ایم



فوتبال و فوتبال تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز باشند و بالاخره باید از وجود این عزیزان استفاده کرد و ما هم نمی‌گوییم این اتفاق نیفتد اما خودش باید تصمیم بگیرد که در این زمینه ورود کند یا خیر. ما ضمن احترامی که به علی دایی داریم، خیلی هم او را دوست داریم.

داور دربی چه کسی خواهد شد؟
در این خصوص در کمیته داوران جلسه گذاشته و تصمیم‌گیری خواهیم کرد. هنوز داور دربی معلوم نیست و باید بنشینیم و اهم و فی‌الاهم کنیم تا بهترین گزینه برای تیم داور را انتخاب کنیم.
آیا واقعا داور دربی را کمیته داوران انتخاب می‌کند؟ در بازی قبلی که این اتفاق نیفتاد و کرمانشاهی را وتو کردند.
خیر، کمیته داوران داور را انتخاب می‌کند. درخصوص دربی جام‌حذفی هم من نمی‌دانم چه اتفاقی افتاده، چون آن زمان من در کمیته داوران نبودم.

اضافه شدن داوران بازی‌ها و تعدد داوران گمنام در رقابت‌های لیگ برتر می‌تواند ارتباطی با انتخابات فدراسیون فوتبال داشته باشد؟
اتفاقا این داوران گمنام نیستند و چندین سال است که در لیگ دسته اول سوت زده و در لیگ برتر به‌عنوان داور چهارم حضور داشتند. الان هم که قضاوت‌های خوبی را از آنها شاهد هستیم و این موضوع مشکل ما نیست، اما اینکه می‌گویند این موضوع ارتباط به رای هیات‌ها و انتخابات فدراسیون فوتبال دارد ضمن احترام به همه روسای هیات‌های استان‌ها یا آنها که آدم‌های مشخصی هستند به‌خاطر یک داور رای می‌دهند؟ آنها با این همه قدمت و ظرفیتی که دارند به‌خاطر یک داور رای می‌خواهند رای بدهند؟ من خودم رئیس هیات فوتبال هستم و اگر داور من را بگزاردند، من به‌خاطر آن داور به کسی که خدایی‌نکرده صلاحیتش را ندارد و یا ظرفیت حضور در فدراسیون فوتبال را ندارد، می‌آیم به او رای بدهم؟ اصلا چنین چیزی ممکن نیست.

ماجرای چکی که از یک داور گرفتید هم جنجالی شد.
قضا چه بود؟

در این مورد هم فدراسیون فوتبال و حقوقی آن بررسی‌های لازم را کردند. من سه سال پیش می‌خواستم یک زمین در شمال کشور بخرم و اتفاقا با خانواده رفتم و زمین را دیدیم و قرار شد بعد از نهایی کردن قیمت آن را بخریم. بعد از اینکه به زنجان برگشتیم گفتند قیمت زمین حدود ۱۰۰ میلیون تومان شده و قرار شد ۱۰۰ میلیون به حساب مومنی بریزم تا او این زمین را بخرد که البته من به او گفتم اگر ۱۰۰ میلیون به حساب شما بریزم فردا روزی برای تو اتفاقا بیفتد، من این پول را از چه کسی باید بگیرم و یا چطور به تو اطمینان کنم؟ قرار شد او یک چک صد میلیون تومانی و روی حساب ضمانت مبلغی که واریز می‌شود، تحویل بدهد که حتی آن چک را خودم نگرفتم و قرار شد دست آقای ایرج احمدی در فدراسیون فوتبال باشد که در نهایت بتوانیم معامله را انجام دهیم. در ادامه تو اتفاقات افتاد و بعد از اینکه چک صادر شد من هم پول را به حساب مومنی ریختم و زمین را خریدم و بعد از اینکه زمین به نام من خورد، روی چه هدفی این کار را کردند. حالا هم این موضوع را بهانه کرده می‌گویند اصفهانیان چک صد میلیونی گرفتند. من سه سال پیش از کجا می‌دانستم یک روزی مومنی معروف شده و داور بین‌المللی خواهد شد.

این حرف‌ها را می‌زنند؟

کمی سر داستان‌های علیرضا فغانی که از لیست داوران بین‌المللی ایران بیرون مانه، مشکلاتی ایجاد شد.

چه کسی گفت کمیته داوران اسم فغانی را از لیست درآورده است؟ شما خودتان دیدید که این اتفاق افتاد؟ این خبر را چه کسی بیرون داد و چه کسی تایید کرد؟ آیا یکی از مسئولان داورى یا فدراسیون فوتبال این خبر را داد یا تایید کرد؟ این اخبار من درآوردی را از خودشان درمی‌آورند و هرکسی یک چیزی می‌گوید.
یعنی اسم او از اول در لیست داوران بین‌المللی بود؟ خود داوران هم در این مورد صحبت می‌کردند.

مگر داوران مسئولیت دارند؟
چرا خودتان در این خصوص شفاف‌سازی نکردید؟ چون نیاز نبود ما این کار را انجام بدهیم. وقتی لیست را فرستادیم اسم فغانی در لیست بود و چرا باید شفاف‌سازی می‌کردیم. برایم سوال است که چه کسی این خبر را تایید کرد که موارد بعدی به وجود آمد. آیا کمیته داوران، هیات‌رئیس یا رئیس فدراسیون این خبر را گفتند یا تایید کردند؟

الان هم که فغانی در جام باشگاه‌های جهان هم قضاوت نمی‌کند.

بالاخره او را دعوت نکردند و اتفاقی است که افتاده.

می‌خواهند بگویند که اتفاقات حاشیه‌ای اخیر تاثیر گذار بوده؟

اینها چه ربطی به ام‌هم دارد. مگر او برای لیگ قهرمانان آسیا دعوت نشده بود؟ فغانی به‌همراه بنیادی‌فر و دو کمک‌داور در قطر حضور داشتند و حالا شاید نیاز نبود از فغانی استفاده کنند و می‌خواستند از داوران جدید بهره ببرند، ما که نمی‌دانیم.

برای انتخابات فدراسیون فوتبال برنامه خاصی دارید؟

باید ببینیم چه می‌شود. یک ارزیابی باید انجام دهیم تا ببینیم

در آینده چه پیش می‌آید.

صحبت از حضور فوتبالی‌هایی مثل دایی و کریمی در انتخابات دارد و کریمی اعلام حضور کرد. در این مورد چه صحبتی دارید؟

عیبی ندارد آنها هم بیایند. باید فوتبالی‌ها و همه آنهاپی که لیاقت و شایستگی دارند به صحنه بیایند اما طوری می‌گویند فوتبالی‌ها انگار ما از پشت کوه آمده‌ایم! مگر ما که الان در هیات‌رئیس هستیم، فوتبالی نیستیم؟ آیا خود من بازیکن یا مربی و داور بین‌المللی نبودم؟ بازیکن تیم ملی نبودم؟ در تمام رده‌های سنی بازی کردم و کاپیتانی تیم منتخب فوتبال باید استقلال داشته و غیردرولی باشم، باید داور بین‌المللی. مگر در همین عرصه کم قضاوت کردم؟ از مقدماتی جام‌جهانی و جام ملت‌ها گرفته تا مقدماتی المپیگ و نیمه‌نهایی جام باشگاه‌های آسیا همه را سوت زدم. پس ما هم فوتبالی هستیم و چرا می‌گویند فوتبالی‌ها بیایند؟ ما هم دوست داریم فوتبالی‌ها بیایند. مگر خدای‌نکرده می‌گوییم بیایند؟ وقتی فیفا می‌گوید باید فوتبالی‌ها باشند ما هم از خدای‌مان است این اتفاق بیفتد اما همین‌هایی هم که هستند فوتبالی و ورزشی هستند.

علی دایی گفته برای حضور در انتخابات برنامه ندارد چون

به درد ریاست فدراسیون فوتبال نمی‌خورد.

با توجه به شناختی که از آقای دایی دارم، او سرمایه فوتبال ما و پرچمدار فوتبال ایران به شمار می‌رود. امثال دایی باید در فدراسیون